نگاهی به فیلم پرفروش پرده سینما

آینه بغلی لاکچری اما شکسته!

■ **بهنام صادقی**

«آینه بغل» نام آخرین اثر منوچهر هادی است. فیلمی که داستانش درباره شخصیتی به نام مرتضی با نقش‌آفرینی جواد عزتی است. مرتضی برای نامزدی‌اش تصمیم می‌گیرد ماشین گرانقیمت صاحب کارش را بدون اجازه برداشته و با نامزدش روز خوشی را سپری نماید، اما در این بین ماشین دچار خسارت می‌شود و صاحب ماشین به جای دریافت خسارت، طلب کار دیگری را از مرتضی می‌کند و...

«آینه بغل» ظاهری زیبا دارد و کارگردان سعی کرده است فیلم را از لحاظ بصری جذاب کند. جذابیت‌هایی مثل خانه‌های مجلل، ماشین‌های لوکس و سبک زندگی اعیانی و اشرافی، لباس‌های برند رنگارنگ و همه آن چیزی که برای مخاطب عام می‌تواند لحظه‌ای جذاب باشد و البته در طبقه متوسط با کمی افسردگی همراه شود، اما این جذابیت‌ها در روند فیلم در جای درستی قرار نمی‌گیرد و درست هم از آن استفاده نمی‌شود و تنها به پوسته ظاهری زیبا تبدیل می‌شود و پس از گذشتن نیمه اول فیلم کامل رنگ و لعاب خود را برای مخاطب از دست می‌دهد.

از این نکته که بگذریم «آینه بغل» در وزنه محتوا اتفاقات به روز و به جایی از معضلات امروز را هدف قرار داده است. فرهنگ غلط استفاده از فضای مجازی، افسردگی و یأسی که به عنوان اپیدمی چه در طبقه فقیر و چه مرفه وجود دارد و ماحصل دوران مدرن است همه و همه موضوعات مناسبی برای یک فیلم هستند، اما فیلم آنها را در قالب پیامی مستقیم و خطابه‌ای کسل کننده استفاده می‌کند (مثال سکانسی از فیلم که شاهرخ با بازی محمدرضا گلزار شبیه مجری تلویزیونی از مضرات و قضاوت کردن در فضای مجازی حرف می‌زند). این روند تا جایی ادامه پیدا می‌کند که موقعیت شناخته شده رفتن و افتادن ناگهانی شخصیتی از طبقه پایین به زندگی اشرافی که دستمایه بسیاری از آثار است، در فیلم بسیار پوچ و بی‌محتوا استفاده می‌شود. این موضوع به وسیله شخصیت‌هایی روایت می‌شود که نمی‌توانند با مخاطب درست همذات پنداری کنند و در مواقعی با بازیگری‌های پیش پا افتاده، تماشاگر احمق فرض می‌شود و این نوع آثار در لبه تیغ لودگی رایج در کمدی‌های اخیر سینمایی راه می‌روند.

در همین راستا تکیه کلام‌های سیاسی و گفتاری در فیلم که راحت‌ترین راه ممکن برای کمدی کردن فضاست، هم راه به جایی نمی‌برد. شباهت تیپی در فیلم به وزیر امور خارجه کشورمان، تکیه کلام‌های سیاسی مربوط به برجام و... تنها لحظات کوتاهی را در فیلم می‌سازند و نمی‌توانند فیلم را به سر منزل مقصود برسانند.

بازی جواد عزتی در نقش مرتضی هم به همان برونگرایی در چند فیلم اخیرش مثل اکسیدان و در مدت معلوم دست و پا می‌زند و حرف تازه‌ای ندارد. گلزار در نقش شاهرخ همان همیشه گلزار سینماست و اتفاقی در بازی‌اش نیفتاده و حتی در مواقعی سطح پایین‌تر از کارهای دیگر ایفای نقش کرده است. یکتا ناصر و نازنین بیاتی هم در همین شرایط قرار دارند.

آینه بغل در این میان موقعیت‌های دراماتیکی خلق می‌کند، اما نمی‌تواند آنها را قوام دهد و بدون استفاده درست آنها را رها می‌کند. برای مثال موقعیتی که شخصیت‌های فقیر و مرفه در فیلم دارند با رفاقتی که بین مرتضی وشاهرخ برقرار می‌شود، می‌تواند به فیلمی جذاب و با اتفاقات جدید و بکر تبدیل شود، اما همه و همه در لحظه باقی می‌ماند و نمی‌تواند به ارتباطی درست با مخاطب برسد. یا زمانی که مرتضی مجبور می‌شود، لباس زنانه بپوشد، اما همه اینها از آن رو که بنای فیلمنامه در بی‌محتوایی صرف قرار گرفته، به هیچ جایی نمی‌رسند. تنها مخاطب شاهد سیرکی است زیبا که ظاهر زیبایی دارد و سرگرمش می‌کند اما در انتها برداشت و ایده‌ای به مخاطب نمی‌دهد. ناگفته نماند، «آینه بغل» از همان ابتدا با معرفی شخصیت‌ها و فضای فیلم و انتخاب بازیگرهایش، خود را از کمدی‌های مرسومی که تنها برای سرگرمی هستند، جدا می‌کند و با تکیه کلام‌های سیاسی و رفتن به متن معضلات سبک زندگی و اجتماعی نشان می‌دهد نمی‌خواهد فیلمی صرفاً طنز و گیشه‌ای باقی بماند.

در کل «آینه بغل» با تمام این ویژگی‌ها و ضعف‌هایی که دارد، با متوسل شدن به همان ظاهری زیبا و به اصطلاح نشان دادن فقر و زیبایی‌ها و زشتی زندگی به اصطلاح لاکچری، تنها کاربردی که دارد گیشه‌ای است که می‌تواند کسب کند. گیشه‌ای که البته در مواجهه با تماشاگری است که در طول این سال‌ها نشان داده است، فرمول ثابتی برای جذب کردنش در سینمای بدنه و آینه بغل‌های مرسوم در سینما وجود ندارد.

روحانی مرکز اسلامی شیعیان در ایتالیا:

تبلیغات بین‌المللی تشیع باید فضا محور باشد نه فرد محور

■ **معصومه طاهری**

جشن کریسمس با رسانه‌ها توانست حتی در فرهنگ غنی و اسلامی ما نفوذ کند، به همین بهانه درباره واقعیت موجود مسیحیت با روحانی مرکز اسلامی شیعیان در ایتالیا گفت‌وگو کردیم. ابوالفضل امامی میبدی طلبه حوزه علمیه قم و دکترای فقه سیاسی با گرایش روابط بین‌الملل است که طی چند سال گذشته به عنوان مبلغ بین‌المللی فعالیت دارد. هم اکنون وی روحانی مرکز اسلامی امام مهدی رم وابسته به شیعیان ایتالیاست که همراه همسر خود دکتر هانیه ترکیان، همکار جامعه المصطفی در ایتالیا و برگزار کننده دوره کارشناسی ارشد مطالعات اسلامی به زبان ایتالیایی است.

محور اصلی کار شما در ایتالیا چیست؟

بستر اصلی ارتباط ما بومی‌های ایتالیاست؛ مسئله‌ای که شاید کمتر به این شکل مورد توجه مبلغان خارج از کشور باشد. این وضعیت اجازه ارتباط با عمیق‌ترین لایه‌های فکری و اجتماعی ایتالیا را فراهم می‌کند.

از سویی، اخباری مبنی بر قوی‌تر شدن کلیساها داریم و از سوی دیگر، علائمی مبنی بر قوی‌تر شدن جریان ضددینی. به نظر شما، اکنون کلیساها در چه وضعیتی هستند؟

کلیسا را هم باید در دو حوزه عمق و سطح یا کلان و خرد، بررسی کرد. کلیسا در قرون وسطی، کوشید تا رشد متوازنی در عمق و سطح داشته باشد؛ یعنی هم بر ارزش‌های مدنظر خود تأکید می‌کرد و هم بر گسترش نفوذ در سطح سیاسی و اجتماعی، ولی بعد از رنسانس، آرام آرام دچار سقوط سیاسی شد و بخش عمده‌ای از قدرت خود در حوزه سطح را از دست داد. در این حال کوشید به تقویت و بازسازی امور بنیادین و عمیق مثل مباحث الهیات و امور اعتقادی بپردازد و مکاتب فکری بسیاری را برای رفع انتقادات به الهیات مسیحی تولید کرد؛ از جمله رمانتیسم، ایمانگرایی و برخی مکاتب هرمنوتیکی. در خلال این بازسازی بنیادی، کلیسا کوشید حوزه مورد نزاع بین خود و مدرنیسم، یعنی حوزه «اجتماع» را برای خود تثبیت کند. این حوزه بین کلیسا و مدرنیسم مورد نزاع بود و هر کدام می‌کوشیدند که جامعه را از آن خود کنند. کلیسا تلاش می‌کرد تا با انجام کارهای خیریه، نفوذ اجتماعی‌اش را افزایش دهد اما مرتکب یک اشتباه مهم شد، آنان دشمن اصلی خود یعنی لیبرالیسم و مدرنیسم را رها کردند و در فکر مسیحی کردن مردم آفریقا و دیگر نقاط جهان برآمدند؛ در حالی که با جنگ نرم مدرنیسم، حتی مخاطبان سنتی کلیسا یعنی جامعه اروپا نیز دچار سست باوری نسبت به کلیسا و مسیحیت شد. جهان مسیحیت از رشد همزمان عمق و سطح در قرون وسطی به سقوط در سطح سیاسی در آغاز مدرنیسم رسید و با افزایش جنگ فرهنگی مدرنیسم و سیاستگذاری‌های توسعه طلبانه و تبشیری خود، کلیسا دچار وضعیت جدیدی شد. در این وضعیت، مسیحیت سعی می‌کند با هزینه کردن از اعتقادات سنتی خود، اعتبار اجتماعی کسب کند؛ یعنی عمق را خرج بخش اجتماعی سطح می‌کند.

چرا در سطح بین‌الملل، وهابی‌ها بیش از ما تبلیغات دارند؟

من با نظر شما موافق نیستم، زیرا ما دو نوع تبلیغ داریم؛ تبلیغ «فضا»یی و تبلیغ «افراد»ی. در تبلیغ فضایی شما فضا را عوض می‌کنید و هر کس در آن فضا تنفس کند، در معرض آن نسیم رحمت قرار می‌گیرد، اما در تبلیغ افرادی، هدفگذاری روی فضای کلان نیست، بلکه روی افراد بیشتر است. قدرت تبلیغی ما با توجه به قوت مکتب و ضعف امکانات، تبلیغ «فضا»یی است و قدرت وهابیت با توجه به ضعف مکتب و قوت امکانات، تبلیغ افرادی است. تشیع از زمان انقلاب رشد عجیبی در جهان داشته است. البته فضایی نه نفری. با این تعریف وهابیت هیچگاه نتوانسته است فضای جهان را بگیرد. البته کمونیسم و لیبرالیسم، برای مدتی توانستند رشد «فضا»یی داشته باشند. بعد از انقلاب ما در دوران جنگ تحمیلی توانستیم انقلاب اسلامی را صادر کنیم و فعالیت‌های بین‌المللی خوبی هم داشتیم و در دوران سازندگی، دچار افت شدیم به صورتی که تنها در برخی نقاط مانند لبنان صدور انقلاب داشتیم ولی در کل تبلیغ بین‌الملل ما باید فضا محور باشد تا فرد محور؛ لذا نیاز است شبکه عصبی بدنه جهان را بازسازی کنیم و برای این بازسازی باید ارتباطات گسترده داشت.

به نظر شما نامه رهبری به جوانان اروپا هم در راستای همین شبکه عصبی در جهان بوده است؟

مهم‌ترین اثر نامه امام خامنه‌ای، همین اثرگذاری در «فضا» بود و پس از آن، کشف نقاط قوت و ضعف شبکه ارتباطی برای تأثیرگذاری بر فضا. باید بدانیم شبکه ارتباطاتی در چه وضعیتی است؟ در چه جاهایی منسجم عمل می‌کند، کجاها این اتصال کمتر است و کجا ارتباط‌ها قطع می‌شود؟ اگر مسئولان این جهت‌گیری را به صورت مشخص دنبال نکرده‌اند، دچار آفت شده‌اند.

سازوکار تبلیغ در اروپا را چگونه ارزیابی می‌کنید؟

بعضی تصور می‌کنند جهت‌گیری ما در تبلیغ اروپا باید ارائه یک رویکرد اخلاقی باشد. درحالی که شما هرچه مؤدب باشید و قوانین را رعایت کنید، تازه ممکن است شبیه هنجارهای اجتماعی خودشان شوید! آیا این یعنی الگو شدن و رساندن پیام یا ایجاد بستر تبلیغ؟ چه بسا با خود بگویند که فرهنگ اروپا آنقدر قوی است این افراد بیگانه را هم متأثر کرده و آنان را مؤدب و قانونمدار کرده است؛ وگرنه کشور خودشان را ببینید!

آیا گردشگران اروپایی جذب اخلاقیات ایرانیان نمی‌شوند؟

جلب توجه گردشگران اروپایی در ایران، در برخی موارد تداعی‌گر خاطره و نوستالژی زندگی و روحیات سنتی برای آنان است که البته به شکلی ستودنی در ایرانیان تجلی پیدا کرده است. این احساسات غالباً جنبه هیجانی دارند و بستری موقت هستند نه تبلیغی موفق؛ مثل وقتی که افراد شهرنشین به روستا می‌روند و ارزش‌های سنتی را می‌بینند، به شوق می‌آیند، اما هیچ کدام روستایی نمی‌شوند! باید تفکر استراتژیک شیعه را نشان دهیم، نقطه قوت و منحصربه فرد ما، روح حماسی، منطقی، اخلاقی و شجاعانه در حمایت از مستضعفان و مظلومان است؛ این کار ما ورودی است برای معرفی منجی به عنوان حامی مستضعفان و مخالف استکبار. این نگاه باید نظام‌سازی و تبلیغی شود.

علت شوک‌های خبری کودک آزاری در کلیسا چیست؟

صدها فرقه مسیحی داریم که برخی به سمت اصلاح اشکالات خود حرکت می‌کنند، ولی هنوز چیزهایی برایشان «ممنوع» و هزینه‌بر است؛ به صورتی که فکر می‌کنند زیان اصلاح این سنت‌های اشتباه، بیشتر از نفع آن است. کلیسای کنونی آنقدر قوت درونی و میدانی ندارد که بتواند همزمان، هم با آنتی کریست‌ها و تهاجم فرهنگی لیبرالیسم بجنگد و هم اصلاحات داخلی اساسی انجام دهد. سنت انحرافی ترک ازدواج، یکی از ریشه‌های اقدامات ناشایست برخی کشیشان است اما شوک‌های خبری بیشتر هنگامی تولید می‌شود که کلیسا می‌خواهد در برابر زیاده‌خواهی‌های مفرط لیبرال‌ها، شیطان‌پرست‌ها و مدرنیست‌ها مقاومتی به خرج دهد. در این هنگام جریان‌های استکباری اقدام به افشاگری یا تخریب سنگین رسانه‌ای کلیسا می‌کنند.

در گفت‌وگوها و همایش‌های مشترک با کشیشان، بیشتر بر چه مسائلی تمرکز می‌کنید؟

معمولاً به دو جهت توجه بیشتری می‌کنیم، یکی توجه به اشتراکات دین اسلام و مسیحیت و توجه دادن به دشمنان دین مانند شیطان پرست‌ها، صهیونیست‌ها و جریان استکبار.

گفته می‌شود مسیحیت روی محبت تأکید دارد و اینکه اگر کسی به تو سیلی زد، بگذار به آن طرف صورتت هم سیلی بزند! نظر شما چیست؟

درست است که می‌گویند «از محبت خارها گل می‌شود» ولی از محبت، خار گل نمی‌شود، بلکه تنها بوی گل به خود می‌گیرد. آنچه تمام کننده است، «مودت» است. محبتی اثرگذار و ماندگار است که به حرکت و تبعیت از حق منجر شود. مسیح محبت می‌کرد و مسیحیان هم به محبت تأکید دارند، اما رفتارهای هیجانی و احساسی عمقی ندارند چون با لایه‌های درونی انسان عجین نمی‌شوند؛ شاید بتوان چند نفر محتاج محبت را به شکل هیجانی جذب کرد، اما محبت در جدول نیازهای انسان، مسئله‌ای تعیین کننده نیست؛ مردم نیاز به تعالی، امنیت و عدالت دارند. محبت به تنهایی، عنصری استراتژیک نیست.

در پایان وضعیت ایرانیان در ایتالیا را چطور می‌بینید؟

ترکیب فرهنگی، مذهبی و اقتصادی ایرانیان ایتالیا و پراکندگی آنها باعث جدایی‌هایی شده است؛ البته رایزنی فرهنگی ایران در رم کارهای خوبی برای معرفی جمهوری اسلامی در ایتالیا انجام می‌دهد، اما از جمله ضعف‌های موجود که ما نیز برنامه هایی برای رفع آن داشته‌ایم، ایجاد یک تشکل دانشجویی قوی در رم است. ما حدود هزار و ۸۰۰ دانشجوی ایرانی در رم داریم که رها و بدون برنامه هستند.

> در تبلیغ فضایی شما فضا را عوض می‌کنید و هر کس در آن فضا تنفس کند، در معرض آن نسیم رحمت قرار می‌گیرد، اما در تبلیغ افرادی، هدفگذاری روی فضای کلان نیست، بلکه روی افراد بیشتر است

اهدای «مسیح در شب قدر» به پاپ

کتاب «مسیح در شب قدر» همزمان با میلاد مسیح و در آستانه سال نو میلادی، به پاپ و دبیرکل سازمان ملل اهدا شد.

انتشارات صهبا همزمان با میلاد مسیح و در آستانه سال نو میلادی، کتاب «مسیح در شب قدر» را به پاپ فرانسیس، رهبر کاتولیک‌های جهان و آنتونیو مانوئل دی الیویرا گوتیرس دبیرکل سازمان ملل اهدا کرد. در نامه‌ای که همراه این اثر ارسال شده، آمده است:

کتاب «مسیح در شب قدر» روایت حضور رهبر ایران، آیت‌الله سیدعلی خامنه‌ای در منازل شهدای مسیحی از سال ۱۹۸۴ تا ۲۰۱۵، که در سال ۲۰۱۶ توسط مؤسسه فرهنگی صهبا، تولید و منتشر شده بود، به زبان انگلیسی ترجمه و منتشر شده است. آنچه در این کتاب آمده، از طرفی نشان‌دهنده احساس تعلق هموطنان مسیحی به کشور و ایثارگری آنها در راه عزت ایران است و از طرفی، اوج قدرشناسی و احترام و تکریم جمهوری اسلامی نسبت به این هموطنان عزیز؛ تا جایی که عالی‌رتبه‌ترین مقام کشور، سال‌های متوالی، در ایام میلاد حضرت مسیح، به منزل این خانواده شهدای مسیحی رفته‌اند و صمیمانه و بدون تشریفات، با آنها گفت‌وگو کرده‌اند. لحظات و گفت‌وگوهای بسیار زیبایی در این دیدارها خلق شده که همه در این کتاب منعکس شده‌اند.

رادیو ایران پیشتاز جشنواره «هیئت»

حسین معصومی، برنامه‌ساز رادیو ایران، مقام اول بخش آنونس و اطلاع‌رسانی «هیئت» را از آن خود کرد.

مجالس و هیئت‌های مذهبی همواره یکی از مهم‌ترین کانون‌های اشاعه و تبلیغ اعتقادات شیعی بوده‌اند. این جریان فراگیر و گسترده همواره با فضاهای هنری و ادبی پیوند خورده و هنرمندان و ادیبان در این راستا آثار متعددی آفریده‌اند. امروزه برای ارزیابی آثار هنرمندان، جشنواره‌های مختلفی پدید آمده که یکی از آنها، همین جشنواره است. به گزارش شبکه رادیویی ایران در جشنواره تولیدات ویدئویی و صوتی هیئت که در دو بخش اصلی و ویژه برگزار شد، حسین معصومی تهیه‌کننده رادیو ایران توانست در بخش آنونس و اطلاع‌رسانی مقام اول را از آن خود کند. گفتنی است رادیو ایران توانسته است علاوه بر تأمین آنتن شبکه، با حضور فعال در جشنواره‌ها بیشترین مقام و جایزه را از آن خود کند.

پایان تابلوی «عادیات» با موضوع جهاد تا ماه دیگر

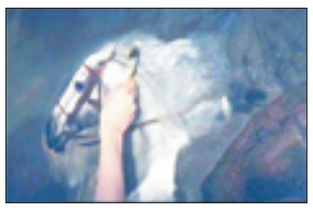

حسن روح‌الامین جدیدترین نقاشی خود را که به موضوع جهاد در سوره «عادیات» اختصاص دارد، حدوداً تا یک ماه دیگر تکمیل می‌کند.

حسن روح‌الامین نقاش عاشورایی کشورمان در گفت‌وگو با فارس درباره جدیدترین کار خود توضیح داد: در حال حاضر مشغول کشیدن تابلوی «عادیات» هستم و حدود نیمی از کار انجام شده است. وی ادامه داد: این تابلو قطعی در حدود ۳۱۰ در ۱۳۰ سانتیمتر دارد و با تکنیک رنگ‌روغن اجرا می‌شود.

این نقاش جوان و پرکار کشورمان درباره موضوع جدیدترین اثر خود اظهار داشت: این تابلو متأثر از سوره «عادیات» است که به اعتقاد برخی مفسران پس از جنگ «ذات‌السلاسل» نازل شده و به نبرد امیرالمؤمنین علی(ع) با دشمنان پیامبر(ص) در «بابس» (سرزمینی در مرز سوریه و اردن) اشاره دارد. وی افزود: در آیه اول سوره عادیات خداوند به اسبان دونده‌ای که نفس‌زنان (به سوی میدان جهاد) پیش رفتند، سوگند یاد کرده است، بنابراین در نقاشی‌ام امیرالمؤمنین(ع) را سوار بر اسب به همراه جمعی از مهاجر و انصار تصویر کرده‌ام. روح‌الامین درباره زمان پایان اثر خود گفت: اگر مشکلی پیش نیاید، احتمالاً یک ماه دیگر این تابلو تمام می‌شود. وی در پاسخ به این پرسش که آیا برنامه‌ای برای رونمایی تابلو در نظر گرفته‌اید یا خیر، گفت: فعلاً برنامه‌ای تعیین نشده است، چون تجربه نشان داده است اگر بخواهم تابلو را در روز و تاریخ خاصی تمام کنم، به کار آسیب می‌خورد.

وحید جلیلی:

بعد از ۴ دهه یک فریم از نماز جمعه در فیلم‌هایمان نداریم

وحید جلیلی در دوره آموزشی «راه‌نما» گفت: انقلاب اسلامی شخصیت‌ها و وقایعی را در دل خود داشته است که اگر بنا بود برای خلق آنها از تخیل استفاده کنیم زمان و انرژی باید برای آن صرف شود.

وحید جلیلی در کارگاه نقد فیلم دوره آموزشی «راه‌نما» که در حاشیه هشتمین جشنواره عمار برگزار شد به کاستی‌های سینمای انقلاب اشاره کرد و گفت: ما در سینما نشانه‌شناسی انقلاب اسلامی نداریم؛ یعنی آنچه فرق می‌گذارد در سینمای جامعه قبل از انقلاب و بعد از انقلاب کمتر در سینمای دراماتیک ظاهر می‌شود. حدود ۹۰۰ هزار بار نماز جمعه در شهرهای مختلف برگزار شده است، همه ما کلیسا را خوب می‌شناسیم، تزئینات و لوازم موجود در آن را می‌شناسیم با اینکه شاید یک بار هم نرفته باشیم و فضاهای شاد و غمگین آن را می‌شناسیم. از کجا می‌شناسیم؟ از تلویزیون و سینما. چند درصد مردم غرب کلیسا می‌روند؟ بیشتر از کسانی هستند که نماز جمعه می‌روند؟ کلیسا کاملاً از دریچه ابزار سینما شناخته شده است ولی ما بعد از گذشت نزدیک ۴۰ سال از انقلاب، یک فریم از نماز جمعه در فیلم‌هایمان نداریم.

وی افزود: یک صحنه دیگر که بیشتر از نماز جمعه اتفاق افتاده است راهپیمایی است. از لحاظ تجربه‌های انسانی کلی اتفاق دراماتیک در آن یک روز می‌افتد اما یک فریم آن هم به کل سینمای ایران و کل تلویزیون ایران راه پیدا نمی‌کند. طوری غربال می‌شود که مبادا نشانه‌ای از آن وجود داشته باشد.

رئیس شورای سیاستگذاری جشنواره عمار اضافه کرد: قشر حزب‌اللهی جامعه حداقل ۱۰ درصد این مردم را تشکیل می‌دهند، اما به همان اندازه هیچ بازتابی در آثار تولید شده در سینما و تلویزیون ندارند. جلیلی با اشاره به نگاه توریستی که از معنای مسجد در فضای مجازی وجود دارد اظهار داشت: وقتی در گوگل واژه مسجد را جست‌وجو می‌کنید عکس گنبد به شما نشان می‌دهد؛ یعنی کاملاً با نگاه توریستی به آن نگریسته شده است؛ در حالی که من وقتی به واژه مسجد فکر می‌کنم یاد میز پینگ‌پنگ می‌افتم که وقتی بچه بودیم و مسجد می‌رفتیم در آنجا بازی می‌کردیم.

وی خاطر نشان کرد: خیلی‌ها می‌گویند ما باید سینمای انسانی داشته باشیم و تعریفشان از سینمای انسانی این است که تو فیلمی بسازی که در کشور دیگری بشود آن را ساخت. در حالی که در درام اصل بر این است که ما از تیپ به شخصیت برسیم نه بالعکس. وی اضافه کرد: مسئله این است که واقعیت جامعه ما از تخیل هنرمند جلو افتاده است. بسیاری از شخصیت‌هایی که ما در حال حاضر داریم که اگر می‌خواستیم تخیل کنیم خیلی بیشتر از این باید تلاش می‌کردیم. زندگی شهید رجایی ماجرای دستفروش کنار خیابان است که به ریاست جمهوری می‌رسد. آیا این دراماتیک نیست؟

سایه فقر بر سر سفالگری که جهان را به تحسین واداشت

■ **حسن روانشید***

این‌گونه از میراث فرهنگی سر و زبان‌دار و معکوس حمایت می‌کنند حالا مجسم کنید چه بر سر آثار تاریخی بی‌زبان این سرزمین می‌آید! عقل از محاسبه این رفتارها عاجز است که چگونه هنرمندی منحصر به فرد باید در وطن خودش نیازمند کمترین ضروریات زندگی باشد! مگر در کشور ۸۰میلیونی ایران چند نفر همچون اسماعیل شیران وجود دارند که ۷۵ سال از عمر پربرکت خود را به سفالگری گذرانده و سفری نیز همراه با چند تن از هنرمندان مطرح صنایع دستی کشور برای شرکت در نمایشگاه هامبورگ آلمان کرده باشند که شهردار آن را برای دقایقی به حیرت و تحسین وادارند تا در حالی که یکی از آثار او را در دست دارد سر تعظیم به سوی او خم کند. پیر سفالگر ایران که متولد ۱۳۱۶ شمسی است در محله بیدآباد اصفهان زندگی می‌کند. او از هفت سالگی به شاگردی استادان بزرگی همچون حاج‌سیدحسین موسوی‌زاده و حاج‌میرزاعباس ایلیا رفته تا فوت و فن سفال و کاشی را بهتر بیاموزد و امروز که سه‌ربع قرن از کارش می‌گذرد استادی منحصر به فرد در زمینه لعاب زرین‌فام در سفال بوده و لقب احیاگر این صنعت دیرینه را به خود اختصاص داده است.

این هنرمند ارزنده که همچنان در کارگاه کوزه‌گری خود کلام خیام نیشابوری را زمزمه می‌کند و می‌گوید: «ناگاه یکی کوزه برآورد خروش/ کو کوزه‌گر و کوزه‌خر و کوزه‌فروش» مفتخر است صنعت سفال زرین‌فام که مربوط به دوره سلجوقیان و خوارزمشاهیان و به‌تدریج رو به افول رفته است را پس از ۷۰۰ سال به‌طور علمی و عملی احیا کند. اما دریغ از روزگار لامروت و مردم ناسازگار که این هنرمند یگانه نیز همچون ۲۲۳ هزار اثر فرهنگی و هنری استان اصفهان که هر یک به‌گونه‌ای همچون خانه تاریخی نائل تخریب می‌شود و هیچ‌یک از مسئولان امر توجهی به آن ندارند از ابتدایی‌ترین حقوق یک شهروند معمولی هم برخوردار نیست که البته در هیچ جای دنیا با یک هنرمند بی‌همتا در زمینه هنر سفالگری این‌گونه رفتار نمی‌کنند!

آیا اگر استاد اسماعیل شیران نیز همچون معدودی از هنرمندان کشور به ندای غربی‌ها لبیک می‌گفت و برای تأمین مادیات، معنویات را زیر پا می‌گذاشت و بار هجرت را می‌بست و حداقل دومیلیتی می‌شد امروز علاوه بر شهرت و مکنت خاطری آسوده نداشت؟ جواهر نایابی که در سن ۸۱ سالگی به‌جای اینکه آثارش در موزه‌ها بدرخشد و خود نیز به‌عنوان سنبل هنر پشت چرخ سفالگری بنشیند و افتخار کند که یک ایرانی است، در اوج کهولت سن و ضعف بنیه در کنج خانه قدیمی خود به گذشته نه‌چندان موفق می‌اندیشد یا اگر حوصله و توان داشت به کمک عصا خود را به حمام تاریخی علی‌قلی‌آقا برساند تا لحظاتی را به تماشای چرخ سفالگری خود که در گوشه‌ای به غربت افتاد بگذراند؟ اینجا چه کسی جوابگوی شقاوت به هنر و هنرمندی بی‌همتاست؟ کسی که باید همچون همترازان خود در عالم هنر شهرت جهانی داشته باشد و در حالی که آثارش در دکوراتورهای غربی همچنان می‌درخشد، خود نیز دوران کهولت را به گشت و گذار در جهان سپری کرده و ستاره فستیوال‌های صنایع دستی و میراث ملموس باشد بستر تنهایی را سپری می‌کند در حالی که سفره‌اش همچنان تهی است! زهی تأسف که این استاد ارجمند پس از پرورش شاگردان فراوان و آموزش فرمول سفال زرین‌فام به آنها باید از امکانات و تسهیلات قابل قبولی برخوردار باشد اما اکنون و در سن ۸۱ سالگی هر روز باید به محل کارش برود و برای دریافت حداقل دستمزد ماهانه‌اش چانه‌زنی کند!

او که مدعی است عمری را به سفالگری و احیای این هنر دیرینه پرداخته و کار دیگری نمی‌داند و امروز به علت کبر سن قادر به کار کردن نیست برای تأمین معاش به کجا باید پناه ببرد؟! استاد شیران ۱۰ سال از بهترین دوران هنری خود را در میراث فرهنگی و ۱۰ سال دیگر را نیز در حوزه هنری سپری کرده اما از هیچ‌گونه بیمه‌ای برخوردار نیست! و تنها این روزها به لطف مسئولان حمام تاریخی علی‌قلی‌آقا در گوشه‌ای از آن به سفالگری و فروش تولیدات هنری خود به بازدیدکنندگان می‌پردازد تا زندگی را گذران نماید و در حقیقت تنها نان‌آور این خانواده هنرمند، همسر قالیباف اوست! آنچه قابل تأمل است توجه به اصحاب هنرهایی است که منحصر به فردند و باید علاوه بر حقوق قانونی از حق مالکیت این پیشه نیز بهره‌مند شده و سازمان میراث فرهنگی از وجود آنها همچون جواهرات ارزشمند در موزه‌ها نگهداری و محافظت نماید تا این‌گونه و در روزهای واپسین به چه کنم چه کنم‌ها گرفتار نشوند و درس عبرتی برای نسل جدید نباشند تا خود را به بیگانگان بفروشند.

***روزنامه‌نگار پیشکسوت**